موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

تحلیل مفهوم نبوت و پیامبری

در جلسه قبل روش مناسب بحث درباره نبوت و پیامبری بیان شد و نتیجه این شد که از نظر منطقی اولین روشی که در این بحث باید به کار گرفته شود، روش عقلی تجریدی است، همان که در فلسفه و منطق و ریاضیات و الهیات بکار گرفته می شود. علت نخستین روش بودن آن نیز این است که در مباحث مربوط به نبوت، ابتدا درباره نبوت عامه صحبت می شود و مباحثی چون حکمت، ضرورت و صفات نبی مطرح است و این از مباحثی است که از طریق روش عقلی قابل دسترسی است. (البته روش کشف و شهود هم در این جا به کار می آید اما این روش اختصاص به افراد خاصی دارد).

تلقی عرف از واژه نبوت و پیامبری

در ابتدا در روش عقلی به بررسی و تحلیل مفهومی در باره کلمه نبوت و پیامبری بحث می شود. پیامبر کسی است که پیامی از کسی برای کسانی می آورد. دریافت کنندگان پیام مردم هستم و گوینده پیام خداوند است. اینکه گفته شود مراد دریافت پیام از خود است، خلاف ظاهر است. هدایت گری تنها بر عهده خدای متعال است که دارای شان ربوبیت است، همان گونه که می فرماید: «إِنَّ عَلَيْنا لَلْهُدى‏ (12) وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولى‏».[[1]](#footnote-1) کلمه نبوت نیز همین گونه است. نبی به معنای کسی است که خبری را برای مردم می آورد.

تحلیل قرآن کریم از نبوت و پیامبری

قرآن کریم برای نبوت از واژگاهی همچون: بعثت، ارسال، برگزیده و اصطفی استفاده نموده است که همه نشان از برگزیده شدن نبی از سوی خداوند دارد. شاید گفته شود هنوز که قرآن ثابت نشده است که به آن استناد می جویید؟ پاسخ این است که ما به قرآن کریم از دو منظر می توانیم بنگریم: یکی اینکه وحی الهی به پیامبر است و دیگری اینکه سخن پیامبر است (یعنی سخن کسی است که نبوت او از نظر تاریخی ثابت شده است). اکنون فارغ از اینکه این کلمات از طرف چه کسی است، این سخن کسی است که خود پیامبری را تجربه کرده است و مسلم است که کسی که از درون امری را مشاهده می کند نسبت به کسی که از بیرون در باره آن قضاوت می کند، سخنش از اعتبار بالاتری برخوردار است. بنابراین می توان به قرآن به عنوان یک منبع که حامل سخنان پیامبر است مراجعه کنیم. اگر می توان از طریق آثار باستان شناسی درباره پیامبران سخن گفت، چگونه نتوان به سخنان کسی که از پیامبران برجسته است استناد کرد؟

یکی از واژه هایی که در قرآن کریم برای پیامبری آمده واژه بعث است: «كانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرينَ وَ مُنْذِرينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فيمَا اخْتَلَفُوا فيه‏»[[2]](#footnote-2): مردم [در ابتداى تشكيل اجتماع‏] گروهى واحد و يك دست بودند [ و اختلاف و نزاعى در امور زندگى نداشتند ] ، پس [ از پديد آمدن اختلاف ونزاع ] خدا پيامبرانى را مژده دهنده و بيم رسان برانگيخت، و با آنان بر اساس حق كتاب نازل كرد ، تا ميان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند ، داورى كند.

در جای دیگر می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنينَ إِذْ بَعَثَ فيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفي‏ ضَلالٍ مُبين‏»[[3]](#footnote-3): يقيناً خدا بر مؤمنان منّت نهاد كه در ميان آنان پيامبرى از خودشان برانگيخت كه آيات او را بر آنان مى‏خواند و [ از آلودگى‏هاى فكرى و روحى ] پاكشان مى‏كند ، و كتاب و حكمت به آنان مى‏آموزد، و به راستى كه آنان پيش از آن در گمراهى آشكارى بودند.

واژه دیگر، کلمه ارسال و رسول است آنجا که می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ »[[4]](#footnote-4)

درباره واژه اصطفی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى‏ آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمينَ »[[5]](#footnote-5)

درباره واژه اجتبی هم می فرماید: «وَ اجْتَبَيْناهُمْ وَ هَدَيْناهُمْ إِلى‏ صِراطٍ مُسْتَقيم‏»[[6]](#footnote-6)

قرآن کریم درباره حضرت موسی (ع) می فرماید: «وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِما يُوحى‏»[[7]](#footnote-7) و در جای دیگر می فرماید: «قالَ يا مُوسى‏ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسالاتي‏ وَ بِكَلامي‏ فَخُذْ ما آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرين‏».[[8]](#footnote-8)

مجموعه این آیات بیانگر این است که نبوت و پیامبری گزینش الهی است، همان طور که فهم عرفی از کلمه نبوت و پیامبری نیز همین است. این سخنان حداقل کلام شخصی است که خود پیامبری را تجربه کرده است.

تلقی منکران و مشرکان از نبوت

جالب اینکه تلقی منکران و مشرکان نیز از پیامبری همین برگزیده شدن از سوی خدا بوده است. منکران در انکار خویش گاه می گفتند: آیا اساسا بشر می تواند رسول خدا قرار گیرد؟ «وَ ما مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جاءَهُمُ الْهُدى‏ إِلاَّ أَنْ قالُوا أَ بَعَثَ اللَّهُ بَشَراً رَسُولاً»[[9]](#footnote-9): و چيزى مردم را زمانى كه هدايت به سويشان آمد از ايمان آوردن باز نداشت ، جز اينكه گفتند : آيا خدا بشرى را به پيامبرى برانگيخته است؟

در جای دیگر منکران می گفتند: «وَ قالُوا أَساطيرُ الْأَوَّلينَ اكْتَتَبَها فَهِيَ تُمْلى‏ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَصيلا»[[10]](#footnote-10): و گفتند : افسانه‏هاى مكتوب پيشينيان است كه نوشتن [ از روى ] آنها را از [ نويسندگان ] درخواست كرده است و آن [ نوشته ] ها را هر صبح و شام بر او مى‏خوانند [ تا حفظ كند و بر ما بخواند و بگويد : اين وحى آسمانى است ! !

تلقی از نبوت در کلمات معصومین

اگر به سخنان امیرالمومنین (ع) و سایر اهل بیت (ع) هم مراجعه کنیم، می بینیم همین تلقی از نبوت مطرح شده است که پیامبر انسانی برگزیده از سوی خدای متعال است. البته سخن معصومین در اینجا از این باب مورد توجه است که آنان افرادی شاخص در فهم از نبوت و پذیرش و پیروی از نبی بوده اند. امیرالمومنین (ع) در اولین خطبه نهج البلاغه می فرماید: «و لم يخل اللّه سبحانه خلقه من نبي مرسل، أو كتاب منزل، أو حجة لازمة».

بنابراین تلقی و فهم درست از نبوت و پیامبری همان گزینش الهی است و این همان تلقی است که در میان همه پیروان ادیان آسمانی مطرح است.

ادامه این بحث در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره لیل، آیه 12 و 13 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره بقره، آیه 213 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره آل عمران، آیه 164 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره حدید، آیه 25 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره آل عمران، آیه 33 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره انعام، آیه 87 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره طه، آیه 13 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره اعراف، آیه 144 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره اسرا، آِه 94 [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره فرقان، آیه 4 [↑](#footnote-ref-10)